

## روش‌شناسی احتجاجات حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه در تبیین امامت

حسن احمدیان دلاویز، معصومه اسماعیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی روش‌شناسی احتجاجات حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه در تبیین امامت به روش تحلیلی- اسنادی انجام شد. نتایج نشان داد که نگاهی دقیق به منطق و نظام‌واره سخنان حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدک نشان‌دهنده بهره‌مندی ایشان از انواع استدلال براساس تنوع مخاطب است. ایشان در میان صناعات خمس از سه صنعت یعنی، خطابه، برهان و شعر برای اثبات مسائل امامت حضرت علی علیه السلام استفاده نموده است که صنعت خطابه و برهان، اصلی‌ترین روش ایشان است. حضرت زهرا علیها السلام در بیان استدلال از روش تاریخی، عقلی، نقلی، استدلال به آیات و شعر بهره برده است. ایشان به ادله تاریخی و موقعیت تاریخی انصار در آن برهه استناد نموده و با اشاره به فضائل حضرت علی علیه السلام، افضلیت آن حضرت برای مقام خلافت را اثبات نموده است. همچنین حضرت زهرا علیها السلام در بیان دلیل، امامت و اطاعت از امام را از دستورات قرآن می‌داند. ایشان در مسئله ارث فدک به عنوان منبع مالی امامت، از برهان و استدلال عقلی-نقلی بهره برده است. وی در استدلال نقلی با اشاره تلویحی به پیمان غدیر، منصوص بودن امامت را بعد از نبوت مطرح نموده و اطاعت از اهل بیت علیهم السلام را مایه نظام ملت و امامت را موجب امان از تفرقه معرفی نموده است.

**واژگان کلیدی:** احتجاجات حضرت زهرا علیها السلام، خطبه فدک، دفاع از امامت، حضرت علی علیه السلام.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸  
۱. استادیار گروه تاریخ اهل بیت علیهم السلام، جامعه المصطفی علیه السلام، قم، ایران.

Email: delaviz59@yahoo.com

۲. استادیار گروه فلسفه و کلام، دانشکده هدی وابسته به جامعه الزهراء علیها السلام، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: masomehesmaeeli@yahoo.com

## ۱. مقدمه

حضرت زهرا علیها السلام بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله اولین و مهمترین احتجاج‌کننده اثبات امامت و خلافت برای حضرت علی علیه السلام است که نظم منطقی و ساختار مدلل کلام ایشان موجب استحکام احتجاجاتشان شده است. برای شناخت روشمندی احتجاجات باید تمام منقولات ایشان در بحث امامت درکنار یکدیگر چیده شده و آنها را در قالب یک پیکره واحد نگریست. مهمترین استدلال‌های حضرت زهرا علیها السلام در دو موضع خطبه فدکیه و ملاقات با زنان مهاجر و انصار بیان شده است، اما در پژوهش حاضر روش شناسی فقط در خطبه فدکیه که مظهر فصاحت و بلاغت است، بررسی می‌شود. احتجاج در لغت به معنای استقامت بر عقیده (عسگری، ۱۴۰۰ ه. ش) و دلیل‌آوری علیه خصم است (حمیری، ۱۴۲۰ ه. ق، ۳/۱۳۰۰). احتجاجات حضرت زهرا علیها السلام به معنای دلیل‌آوری ایشان در برابر خصم است. اهمیت احتجاجات حضرت زهرا علیها السلام از نظر وقوع این دلیل‌آوری و دفاع از امامت در جو حاکم بر جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در شرایط آغاز شقاق و اختلاف در امت اسلامی است. ایشان در سرآغاز تاریخ شیعه و روبه‌روی سرمنشأ ایجاد فرق اسلامی ایستاده و آسیب‌های انحراف از مسیر اصلی نبوت و ولایت را با استدلال‌های محکم بیان کرد. خطبه حضرت زهرا علیها السلام در شرایطی ارائه شد که اختلاف و دودستگی در جامعه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شده بود که ایشان در استدلال‌های خود از روش‌های متنوع بهره‌گرفته و احتجاجی همه‌جانبه اقامه کرد. احتجاجات حضرت زهرا علیها السلام در شرایط خاص جامعه نبوی بعد از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله واقع شد. بیشتر مسلمانان در آستانه رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطیع اوامر و نواهی رهبر جامعه اسلامی بودند و در حوادث مهم تاریخی با ایشان همراهی می‌کردند، اما دو گروه مسیر حرکت خود را از جریان اصلی تغییر دادند که عبارتند از: منافقان و قدرت‌طلبان. این دو گروه سعی داشتند از فرصت‌ها و موقعیت‌های مختلف برای نیل به اهداف خود استفاده کنند. بنابراین، گروهی از منافقین داخل مدینه که به دنبال تحقق آمال و آرزوهایشان بودند شروع به توطئه علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و حکومت اسلامی کردند. ایشان در توطئه‌های خود تا مرحله طرح و اجرای ترور پیامبر صلی الله علیه و آله پیش رفتند. (مجلسی، ۱۳۹۲، ۲۸/۸۹) قدرت‌طلبان نیز در حکومت اسلامی مترصد بهره‌برداری از فرصت‌ها و موقعیت‌ها بودند و حتی گاهی با فرامین



حاکم اسلامی مخالفت کرده و با عذرتراشی و بهانه‌جویی و انجام ندادن دستورات پیامبر اکرم ﷺ گاه مشمول لعن و نفرین ایشان قرار می‌گرفتند. نمونه بارز آن در ماجرای اعزام سپاه اسامه تجلی یافت (شهرستانی، ۱۳۹۶ هـ.ش، ۲۲/۱).

پس از رحلت رسول الله ﷺ نیز این سه جریان عمده (اکثریت جامعه که مطیع اوامر نبی اسلام بودند، منافقان و قدرت‌طلبان) با تغییراتی در تحولات جامعه اسلامی حضور فعال داشتند؛ بدین صورت که قدرت‌طلبان با نقشه‌ازپیش طراحی شده و با بسترسازی مناسب توانستند سقیفه را رقم زنند و خلافت را از مسیر اصلی خود منحرف کنند و منافقان نیز با ایشان همراه شدند. پس از ماجرای سقیفه، تحولی در نگرش و رویکرد بسیاری از مسلمانان رخ داد و به دلایل و انگیزه‌های مختلف از محتوای غدیرخم فاصله گرفته و با حاکمیت جدید همراه شدند؛ اگرچه برخی از صحابه پایبندی خود را با اهل بیت ﷺ اعلام کردند، حاضر به بیعت با خلیفه اول نشدند و درصدد شورش علیه خلیفه نوظهور شدند تا حق غصب شده را به امام علی ﷺ بازگردانند. از جمله اینان می‌توان به عباس بن عبدالمطلب، فضل بن عباس، زبیر بن عوام، خالد بن سعید، مقداد بن عمرو، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، عمار یاسر، براء بن عازب، ابی بن کعب، اشاره کرد (یعقوبی، بی تا، ۱۲۴/۲). حضرت زهرا ﷺ در این شرایط به پاخواست و با خطبه خود برای اثبات امامت و حق اهل بیت ﷺ احتجاج کرد.

خطبه تاریخی حضرت فاطمه ﷺ از علمای بزرگ شیعه و اهل تسنن با سلسله سندهای بسیار با کمی اختلاف در عبارات نقل شده است. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۵۶۸/۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ هـ.ش، ۲۴۸/۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۸۵/۴) سید بن طاووس قسمتی از خطبه فدکیه را از کتاب المناقب و احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی که از معاریف اهل سنت است به سندی که به عایشه منتهی می‌شود، نقل می‌کند (ر.ک.، سید بن طاووس، ۱۳۷۴ هـ.ش). دانشمند معروف اهل تسنن، ابن ابی الحدید معتزلی، نیز در شرح نهج البلاغه در شرح نامه عثمان بن حنیف در فصل اول، اسانید مختلف این خطبه را نقل کرده است. او تصریح می‌کند: «اسنادی را که من برای این خطبه در اینجا آورده‌ام از هیچ‌یک از کتب شیعه نگرفته‌ام» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۱۴/۱۶). در مورد ماهیت و کیفیت فدک در حدیثی که از منابع اهل تسنن از ابوسعید خدری صحابه معروف پیامبر ﷺ نقل شده، آمده است: «هنگامی که آیه «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» نازل

شد پیامبر ﷺ فاطمه را صدا زد و فدک را به او بخشید». این حدیث را ابویعلی و ابن ابی حاتم و ابن مردویه و طبرانی از ابوسعید نقل کرده‌اند (ر.ک.، سیوطی، ۱۴۰۴هـ.ق، ۴/۱۷۷) و ذهبی در میزان الاعتدال حدیث آن را صحیح دانسته است (ذهبی، ۱۹۹۵م، ۲/۲۲۸). فدک هفت قطعه زمین و به ملک یک یهودی به نام مخیریق بوده که او به صورت شخصی به پیغمبر اکرم بخشید و به جنگ احد رفت و در آن جنگ کشته شد. برخی نوشته‌اند به مرگ طبیعی مرده و پیش از مرگ نوشته و وصیت کرده است که پیامبر اسلام ﷺ هرگونه تصرفی را در املاک او بنماید، مختار است (سیدبن طاووس، ۱۳۷۲هـ.ش). پیامبر ﷺ دهکده فدک را به دخترش فاطمه ﷺ بخشید و تا پایان زندگی پیامبر ﷺ فدک در دست ایشان بود. حضرت فاطمه ﷺ در آمد این ملک را که سالانه بالغ بر هفتاد هزار دینار بود بین بینوایان و فقرا تقسیم می‌کرد (سیدبن طاووس، ۱۳۷۲هـ.ش). شاهد دیگر بر این مدعی گفتار امیرمؤمنان علی ﷺ درباره فدک است که می‌فرماید: «بلی کانت فی ایدینا فدک من کلّ ما اظلّته السماء فشحت علیها نفوس قوم و سخت عنها نفوس قوم آخرین و نعم الحکم الله» (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

روش اصلی حاکم بر خطبه حضرت زهرا ﷺ در میان صناعات خمس، روش خطابه است. در کنار این روش از دلایل قرآنی، حدیثی، تاریخی و عقلی استفاده شده است. بنابراین، الگوی سخن ایشان، خطابه بوده و از نظر روش‌شناسی از روش‌های متنوعی بهره برده و با استفاده از روش‌ها از نظر محتوای مرتبط با امامت در خطبه فدکیه به مسائلی مانند جایگاه امامت، خصائص امام علی ﷺ، شئون امامت، روش تعیین امام، ادله اثبات امامت و احتجاج بر دارایی فدک در قالب منبع مالی امامت پرداخته است. حضرت زهرا ﷺ در خطبه خود جایگاه حضرت علی ﷺ را از زمان حیات پیامبر ﷺ بیان کرده و با بیان جایگاه امامت در قرآن، روی‌گردانی از آن را عبور از قرآن معرفی می‌کند؛ زیرا امت در تفسیر معانی اقوال پیامبر ﷺ و آشکار شدن دین بی‌نیاز نیستند همان‌طور که مردم با تلاوت آیات، تمام دین را نفهمیده و از وجود رسول خدا ﷺ بی‌نیاز نمی‌شوند و در توضیح و تبیین قرآن به آن وجود مقدس نیازمند هستند. به همین ترتیب امت بعد از او به شریعت مکلف بوده و بر اساس عدل و حکمت به کسی نیازمند هستند که بتوانند در اختلافات و مشکلات به او تکیه کنند و طاهر و معصوم و با علم کامل باشد تا دین را تبیین کند؛ زیرا پیامبر ﷺ در زمان



خود تا حد مشخصی به بیان دین پرداخت. (کراچی، بی تا، ۳۲۳/۱)، روایت رسول خدا که می فرماید: «من شهر دانشم و علی علیه السلام دروازه آن است» (احمد بن الحنبل، ۱۹۸۳ م، ۶۳۴/۲؛ الحاکم النیشابوری، ۱۹۹۰ م، ۱۳۷/۳) نشان دهنده افضلیت علمی حضرت و ضرورت رجوع به ایشان برای فهم دین است. پدیده ارتجاع مانع از آن شد که رجوع به منبع علم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله اتفاق افتد. بنابراین، حضرت زهرا علیها السلام علاوه بر استدلال های روشمند خود، احساسات دینی و دفن شده انصار را با بکاء خود برانگیخت و عظمت گناه ارتجاع در جامعه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و تغییر مسیر جامعه اسلامی را نمایان کرد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «افرادی که فوق العاده گریستند پنج نفر بودند: آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه، دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی بن الحسین علیه السلام (ابن بابویه، ۱۳۶۲ هـ. ش، ۲۷۲/۱)، اما در طول تاریخ، بکاء حضرت زهرا علیها السلام مورد توجه جدی قرار گرفته و احتجاجات ایشان بر مسئله امامت از دایره بحث جدی و روشنگری امت ها مغفول مانده است. ضرورت بحث از منطق حاکم بر احتجاجات از آنجا ناشی می شود که اثبات امامت توسط یکی از معصومین، راهی درون دینی و معتبر بوده و اثبات سازواری استدلال ها بر غنای منطقی اثبات می افزاید. همچنین این خطبه در برابر ابوبکر و بیعت کنندگان با وی ایراد شده و پاسخ های حضرت زهرا علیها السلام به دعاوی ایشان می تواند به شبهات زیادی پاسخ دهد.

## ۲. پیشینه پژوهش

کتاب متعددی به نقل و شرح کلام حضرت زهرا علیها السلام پرداخته اند. از میان منابع متأخر، علامه مصباح یزدی در قالب ۵۵ جلسه درس اخلاق خطبه فدکیه را شرح کرده اند که با همین نام چاپ شده است. عباسی (۱۳۹۲) نیز کتاب *مبانی قرآنی خطبه فدکیه*، و سروری (۱۳۹۴) کتاب *خطبه فدکیه ذوالفقار فاطمه* در دو جلد را در شرح خطبه فدکیه منتشر نموده است که هیچ یک از این آثار به تحلیل روشمندی کلام حضرت نپرداخته اند. رودگر (۱۳۹۹ هـ. ش) در مقاله *مراتب مرجعیت معرفتی حضرت فاطمه علیها السلام در نظر اهل بیت علیهم السلام*، شیعه و اهل سنت، سطوح مرجعیت معرفتی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در سه سطح جامعه مسلمانان، شیعه و اهل بیت علیهم السلام را بررسی نموده است. محمدی (۱۳۷۸ هـ. ش) در مقاله ای با عنوان امامت در



اندیشه و کلام حضرت فاطمه علیها السلام، به ادله اثبات امامت امیرالمؤمنان علیه السلام و امامت امامان شیعه براساس منظومه سخنان حضرت زهرا علیها السلام پرداخته است. حسینی (۱۳۸۷ ه.ش) نیز در مقاله‌ای باعنوان دفاع فاطمه علیها السلام از امامت و امام خویش، دفاع حضرت زهرا علیها السلام از امامت امامان برحق و سرفصل دفاع‌های ایشان را بررسی کرده است. همچنین طیبی (۱۳۹۰ ه.ش) در مقاله‌ای باعنوان بررسی سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت، به مواردی مانند یادآوری و تذکر، عدم بیعت با خلیفه، مقاومت در مقابل بیعت اجباری و استغاثه، یادآوری غدیرخم، تهدید به نفرین، گریستن‌های پیاپی حضرت زهرا علیها السلام و مطالبه فدک اشاره کرده است. رضوی (۱۳۸۴ ه.ش) در پایان نامه خود باعنوان مواضع سیاسی حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت، رویکرد و موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از آموزه ولایت را بررسی کرده است، اما یافتن روش احتجاجات حضرت زهرا علیها السلام کاری است که در پژوهش حاضر انجام و انواع روش‌های استدلالی آن تحلیل شده است. روش‌شناسی احتجاجات حضرت زهرا علیها السلام می‌تواند الگوی مناسبی برای مدل‌سازی برای احتجاجات امامت باشد.

### ۳. جامعه‌شناسی و مخاطب‌سنجی

ادعا این است که کلام حضرت زهرا علیها السلام با مخاطب و محیط بیرون سازگاری داشته و از درک عمیق ایشان از گروه‌های مخاطب و شناخت دقیق از جامعه صادر شده است. همچنین ایشان درک کاملی از جامعه بعد از رحلت نبی صلی الله علیه و آله و سلم داشته و استدلال‌های خود را با خصوصیات این جامعه که آن را جامعه مرتجع می‌داند، منطبق می‌کند. بررسی مخاطبان آن حضرت در احتجاجات نشان می‌دهد که عمده احتجاجات مهم با چند گروه است که عبارتند از:

- گروه مهاجر و انصار: خطبه فدکیه در مسجد در میان این گروه خطاب شد؛

- زنان مهاجر و انصار: ایشان به عیادت حضرت آمدند و حضرت زهرا علیها السلام در دیدار با

زنان به ارائه خطبه‌ای پرداخت (شیخ مفید، ۱۳۸۱ ه.ش، ۱/۲۸۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ ه.ش، ۱۶/۲۳۳؛ ابن طیفور،

بی‌تا؛ طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱/۲۳۸؛ محدث اردبیلی، ۱۳۸۱ ه.ش، ۲/۱۱۴؛ فواز عاملی، ۱۴۲۱ ه.ق، ۴/۱۲۸؛ طبری، ۱۴۱۳ ه.ق)؛

- برخی مهاجر و انصار در مکان‌های مختلف.

حضرت صدیقه علیها السلام در گفت‌وگوها و خطابه خود به علت یابی اتفاقات بعد از رحلت

پرداخت و ارتجاع را ریشه‌یابی کرد: «و اکنون که خدای تعالی پیامبر خود را به سرای انبیا و برگزیدگان خود نقل مکان فرمود، میانتان کینه‌های باطنی ظاهر گشت، جامه دینی، کهنه و بی‌رونق شد و شیطان با نیرنگ و فریب شما را تحریک کرد و پاسخ مثبت شنید و شما را گول خورده دید و برای اوامر خود آماده به خدمت یافت و شما را به خشم آورد و به هدف خود رسید و شما اعتدال عمل را از دست داده و گمراه شدید. بدانید که این مردم هنگام امتحان باختند و جایگاه مردم ظالم جهنم است. این اعمال از شما به دور است و جای چه عجب است و چگونه دروغ می‌گویید در حالی که کتاب خدا در میان شماست؛ قرآنی که ظاهر و احکامش روشن و حقایق آن آشکار و نواهی آن واضح و اوامرش صریح است. آیا کلام خدا را پشت سر انداختید. یا از آن اعراض کرده‌اید. چه تبدیل بدی کردند ستمگران و هرکس جز اسلام را پیروی کند از او پذیرفته نخواهد شد و در سرای آخرت از زیانکاران خواهد گشت. سپس آن قدر صبر نکردید که بحران و جوش این مصیبت فروکش کند و خروش آن آرام گیرد و بلافاصله اقدام به دامن زدن و افروختن آتش کردید و شراره‌های فساد مردم را شعله‌ور ساختید و دعوت شیطان را اجابت نموده و گمراه شدید و انوار دین مبین حق را خاموش و احکام و سنت‌های رسول خدا را ترک نمودید. شما به بهانه‌های واهی اهداف شوم خود را به اجرا گذاشته و در واقع به اهل بیت پیامبر ﷺ خیانت و ستم نموده و هرچه خواستید، کردید و ما در مقابل شما صبر می‌کنیم همچون صبر در برابر تیزی و برش کارد و طعنه نیزه‌ها» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۵۶۸/۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ هـ.ش، ۲۴۸/۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۸۵/۴).

ایشان محیط بعد از پیامبر ﷺ را محیط ارتجاع دانست: «و محمد ﷺ فقط رسولی است همچون دیگر رسولان. اگر بمیرد یا کشته شود از راه حق منحرف شده و به پشت سر خودتان برمی‌گردید [این را بدانید] و هرکه روبه قهقری برگردد، ضرری به خداوند نخواهد داشت و خداوند آن کسانی را که به نعمت‌ها و الطاف الهی متوجه باشند پاداشی نیکو می‌دهد». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۵۶۸/۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ هـ.ش، ۲۴۸/۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۸۵/۴) ایشان این پدیده را به جاهلیت و کفر نسبت داد و انصار را به قرار گرفتن در امتحان الهی و شکست در آن، اعراض از کلام خدا (شیخ مفید، ۱۳۸۱ هـ.ش، ۲۳۹/۱)، شرک بعد از ایمان، ترک احکام و سنت‌های رسول خدا ﷺ و ستم و خیانت به اهل بیت پیامبر ﷺ متهم کرد: «و حال شما می‌پندارید که مرا هیچ اثری نیست مگر از احکام جاهلیت پیروی می‌کنید حال اینکه در نزد اهل یقین هیچ حکمی بهتر از حکم خدا نیست؛



مگر فهم ندارید. آری! حقیقت آن بر شما چون روز روشن است که من دخت پیامبرم. به تحقیق از نزد خود حکم تازه و دروغی درآوردی. مگر کتاب خدا را عمداً ترک کرده و احکام آن را پشت سر انداختی» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۵۶۸/۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ ه.ش، ۲۴۸/۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۸۵/۴)؛ «چرا پس از روشنی حقیقت حیران شدید و پس از اظهار آن پنهان می‌دارید و بعد از پیشروی عقب‌نشینی کردید و پس از ایمان، به شرک افتادید. وای بر شما! که مانند آن گروهی هستید که عهد خود را شکستند و آهنگ بیرون کردن پیامبر ﷺ را نمودند» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۵۶۸/۳).

جالب این است که هیچ گزارشی در مورد رد کلام ایشان از سوی انصار و مهاجرین گزارش نشده که نشان دهنده دقت حضرت زهرا علیها السلام در شناخت جامعه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله است. ایشان عدول از پیمان بر امامت را با شرک کفار مکه مقایسه و اموری مانند ترس و میل به رفاه و آسایش دنیا یا دنیا طلبی را دلیل اصلی ارتجاع معرفی می‌کند: «آیا از آنها می‌ترسید؟ خدا سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمنید؛» «آری می‌بینم که شما میل به رفاه و آسایش دنیا نموده و دست از آنکه شایسته تولیت و امامت است، برداشته‌اید و خود را از مسئولیت تکالیف و حدود و وظایف دینی رها نموده و آزاد ساختید و هر آنچه دیده و شنیده و می‌دانستید را به دور انداختید، حال اینکه اگر شما و اهل زمین کافر شوند به راستی که خداوند بی‌نیاز و ستوده است» (شیخ مفید، ۱۳۸۱ ه.ش، ۲۳۹/۱). آن حضرت بعد از شناخت جامعه، دامنه مخاطب عام و خاص خود را هوشمندانه انتخاب می‌کند. در میان مخاطبان حضرت زهرا علیها السلام گروه انصار مرکز اصلی توجه ایشان بود و آن حضرت، انصار را مرکز آزمایش خداوند در واقعه پس از رحلت می‌داند: «ای گروه انصار، شما حاضر و ناظر باشید و میراث پدر من مورد دستبرد دیگران واقع گردد. شما مشمول دعوت من گشته و در معرض امتحان و آزمایشید، حال آنکه شما برخوردار از سلاح و تجهیزات جنگی بوده و معروف به اهل خیر و صلاح و نیکوکاری هستید، چه شده که اکنون دعوت مرا شنیده و یاریم نمی‌کنید» (شیخ مفید، ۱۳۸۱ ه.ش، ۲۳۹/۱).

حضرت زهرا علیها السلام انصار را با عباراتی مانند «ای گروه بزرگان! وای بازوان توانای ملت! وای نگهداران دین!» خطاب کرده و به شماتت ایشان در مورد رفتارهای سست و سبک با خود می‌پردازد: «مگر پدرم، رسول خدا صلی الله علیه و آله، نفرموده بود که مراعات هر شخصی در احترام به فرزندان اوست. چه باشتاب خلاف آن عمل کردید، هر چند این امر قابل پیش‌بینی بود با اینکه شما برای احقاق



حقوق من قادر و تواناییید» (شیخ مفید، ۱۳۸۱ ه.ش، ۲۳۹/۱). این شیوه خطاب همراه با انتظار را حضرت در مورد مهاجران به کار نمی برد، اما خطاب های دیگری نیز در کلمات حضرت وجود دارد که در برخی کلیت مسلمانان را مورد اشاره قرار داده است: خطاب عام: «ای مسلمانان، آیا شایسته است که من از ارث خود محروم باشم. ای جماعت مسلمین که عجولانه مبادرت به انتخاب امری باطل و ناصواب نمودید آیا پیرامون آیات قرآن هیچ تدبر و تأمل نمی کنید» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۵۶۸/۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ ه.ش، ۲۴۸/۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۸۵/۴) و در برخی موارد با افراد خاص گفت و گو نموده است. برای مثال با ابوبکر به احتجاج می پردازد، اما در مجموع از میان دامنه مخاطبین، ایشان جامعه انصار را انتخاب کرده و بیشتر روی صحبتش با این گروه است.

#### ۴. منطق بیانی در احتجاجات حضرت زهرا علیها السلام

منطق بیانی و شیوه استدلال براساس تقسیم دانشمندان منطق پنج بخش دارد که عبارتند از: برهان، خطابه، جدل، مغالطه و شعر که براساس نوع استفاده از مقدمات و ارزش آنها در استنتاج، این تقسیم بندی صورت گرفته است؛ زیرا برخی از احتجاجات، ارزش یقین آوری داشته و برخی مفید ظن بوده یا تخیل و وهم انسان را برای زیبا یا زشت جلوه دادن امری به کار می گیرد. حضرت زهرا علیها السلام در ادبیات خود از روش های متعدد استدلالی استفاده نموده است تا هم عقل و منطق مخاطب را به چالش بکشد و هم از احساسات دینی او در هدف خود بهره گیرد. ایشان در خطبه فدکیه از میان پنج روش برهان، خطابه، جدل، شعر و مغالطه از سه روش برهان، خطابه و شعر بهره برده که اصلی ترین روش احتجاج حضرت زهرا علیها السلام استفاده از شیوه خطابه است. ایشان در این شیوه با علم به روش و محتوا وارد بحث شده است. یکی از مباحث مهم در صنعت خطابه اهمیت شخصیت خطیب و میزان اعتماد به ایشان است؛ زیرا میزان تأثیر کلام وابسته به جایگاه خطیب و ثقل کلام اوست. بنابراین، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در مواضع مختلف جایگاه خود را به مردم یادآوری می کند: «ای مردم! آگاه باشید که من فاطمه و پدرم محمد است. گفتارم تماماً از سر صدق بوده و از غلط و نادرستی به دور است. از من هرگز کلام بی جا و کردار بی ربط سر نمی زند. اگر تحقیق کنید این رسولی که از جانب خدا آمده است پدر من بود نه شما و در عقد اخوت پسر عموی من بود نه شما. آری! حقیقت آن بر شما



چون روز روشن است که من دخت پیامبرم» (شیخ مفید، ۱۳۸۱ ه.ش، ۲۳۹/۱). ایشان در احتجاجات خود از روش مغالطه و جدل استفاده نکرد؛ زیرا با وجود دلایل آشکار و عدم انکار دلایل توسط مخاطب، نیاز به جدل نداشت و باتوجه ظنی بودن دلیلی جدلی، استفاده از آن در موضوع مهمی مانند امامت سودمند نیست. کاربرد جدل فقط اسکات خصم است درحالی که رسالت حضرت، اثبات و تبیین است. روش مغالطه متضمن سخن و مقدمه نادرست است؛ زیرا صنعت مغالطه استدلال نادرست است درحالی که حضرت زهرا ع در ابتدای خطاب خود می فرماید: «إِيهَا النَّاسُ! اَعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدَاءً، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ سَطَطًا؛ ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز می گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۵۶۸/۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ ه.ش، ۲۴۸/۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۸۵/۴).

## ۵. روشمندی احتجاجات حضرت زهرا ع

حضرت صدیقه زهرا ع در خطابه خود از روش های متعددی برای اثبات مدعای خود بهره گرفته و مقدماتی یقین آور برای استدلال خود بر امامت ارائه کرده است. ایشان به ادله مختلف نقلی، تاریخی و عقلی استناد کرده و مدعای خود را مطرح کرده است.

### ۵-۱. احتجاج با روش نقلی و تاریخی

حضرت زهرا ع در خطبه فدکیه به ادله تاریخی استناد کرده و به نتیجه رسیده است. ایشان به وضعیت شناسی مردم و نقش رسول خدا ص در نجات ایشان پرداخت و موقعیت تاریخی انصار را قبل از حضور پیامبر اسلام ص به ایشان یادآوری می کند. این امر موجب ترسیم وضعیت گذشته و مقایسه آن با وضعیت حال است. نکته جالب اینجاست که از نظر حضرت زهرا ع در دوران بعد از رحلت پیامبر ص، حضرت علی ع محور تغییر و رساندن جامعه به نقطه مطلوب بود.



وضعیت قبل از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	وضعیت بعد از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> با محوریت نقش حضرت علی <small>علیه السلام</small>
«و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته و مانند جرعه‌ای آب بوده و در معرض طمع طماعان قرار داشتید، همچون آتش‌زنه‌ای بودید که بلافاصله خاموش می‌گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می‌نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند و از پوست درختان برای غذا استفاده می‌کردید، خوار و مطرود بودید، می‌ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را برابیند». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۵۶۸/۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ هـ.ش، ۲۴۸/۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۸۵/۴)	«خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را به دست آن حضرت نجات داد. هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نمود یا هر هنگام که شیطان سربرآورد یا ازدهایی از مشرکین دهان باز کرد پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> برادرش را در کام آن افکند. او تا زمانی که سر آنان را به زمین نمی‌کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی‌کرد، باز نمی‌گشت. فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیای الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت‌گر، تلاشگر و کوشش‌کننده بود و در راه خدا از ملامت ملامت‌کننده نمی‌هراسید و این در هنگامه‌ای بود که شما در آسایش زندگی می‌کردید، در مهد امن منعم بودید و در انتظار به سر می‌بردید تا ناراحتی‌ها ما را در برگیرد و گوش به زنگ اخبار بودید و هنگام کارزار عقب‌گرد می‌کردید و به هنگام نبرد فرار می‌نمودید». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۵۶۸/۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ هـ.ش، ۲۴۸/۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۸۵/۴)

حضرت زهرا علیها السلام با اشاره به فضایل حضرت علی علیه السلام و برخی خصایص ایشان با استفاده از ادله تاریخی، افضلیت حضرت علی علیه السلام برای مقام خلافت را اثبات نمود و با شمارش خصایصی مانند عقد اخوت، نزدیک‌ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله، مقام ولی الهی و سروری بر اولیاء الله، شجاعت بی‌نظیر در جنگ‌ها و دفاع از اسلام، نتیجه‌مند بودن تمام مأموریت‌های ایشان و فضایی مانند پیوسته آماده به خدمت و خیرخواه بودن، شخصیت جدی و پرتلاش ایشان به اثبات افضلیت حضرت احتجاج کرد. (ر.ک.، شیخ مفید، ۱۳۸۱ هـ.ش، ۲۳۹/۱) در این اثبات همان‌طور که مشاهده شد از ادله تاریخی مانند ماجرای عقد اخوت و شجاعت‌های حضرت علی علیه السلام در جنگ‌ها و کامیابی‌های ایشان استفاده کرد. ایشان به صورت ضمنی به ماجرای تاریخی غدیر اشاره داشت. اشاره ایشان به رویگردانی انصار از پیمان و فراموشی کتاب خدا، عدم اهتمام به پیمان غدیر است: «این کار از شما بعید بود و چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، آموزش روشن و احکامش درخشان و علائم هدایتش ظاهر و محرمانش هویدا و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید. آیا بی‌رغبتی به آن را خواهید یا به غیر قرآن حکم می‌کنید که این [حکم دادن به غیر قرآن] برای ظالمان جایگزین بدی است و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و

در آخرت از زبان کاران خواهد بود» (ابن حیون، ۱۴۰۹ هـ.ق).

اشاره حضرت زهرا علیها السلام به کتاب خدا، احتجاج به ادله نقلی در اثبات حقوق امامت است. یکی از مهمترین آیات در این زمینه آیه اکمال در مورد واقعه غدیر است، البته حدیث غدیر از سویی دلیل نقلی محسوب شده و از سوی دیگر به دلیل اینکه پدیده ای تاریخی با شاهدان عینی و ناقلان برجسته از میان صحابه است، دلیل تاریخی نیز بر اثبات امامت می باشد. در حدیثی طولانی از قول حضرت زهرا علیها السلام، مقام ولایت حضرت علی علیه السلام مورد استشهاد قرار گرفته است: «به خداوند به عنوان پروردگار و به تو ای پدر! در مقام پیامبر و به پسر عمویم در مقام شوهر و ولی، راضی و خشنودم» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۴۳/۱۵۱). بنابراین، ایشان با اشاره تلویحی به پیمان غدیر، منصوص بودن امامت را بعد از نبوت مطرح ساخت. در همین مورد گفتنی است که روایت «من كنت مولاه فعلي مولاه» به ایشان نیز منسوب است (امینی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۲/۶۰). در حدیثی از محمود بن لبید آمده است که حضرت زهرا علیها السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار قبور شهدا و قبر مبارک حمزه حاضر شده و می گریست. راوی از حضرت می پرسید که آیا نصی از رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از وفاتش بر امامت حضرت علی علیه السلام صادر شده است؟ حضرت زهرا علیها السلام ماجرای غدیر خم را یادآوری نموده و راوی از حضرت می پرسد که چرا حضرت علی علیه السلام از حق خود کنار رفت؟ حضرت صدیقه علیها السلام امام را به کعبه تشبیه کرد. براین اساس، امام مانند کعبه است که باید به طرف او رفت نه اینکه کعبه به طرف افراد حرکت کند. (رک، خزازی، ۱۴۰۱ هـ.ق). با این کلام به بیان نسبت امام و امت اشاره شده است. ایشان در فرازی به این مهم اشاره کرد: «از چه رو تمرکز حق را در مرکز خود سبب نگشتند و از این راه خلافت را از پایه های نبوت دور داشتند و از سرایی که محل نزول جبرئیل بود به دیگر سرا بردند و از ید قدرت کاردانان دین و دنیا خارج ساختند. به هوش! که زبانی بس بزرگ است» (طبرسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱/۲۴۸).

## ۵ - ۲. احتجاج به روش نقلی و استدلال به آیات قرآن

حضرت زهرا علیها السلام قرآن را در اوایل خطبه خود با صفات مشخصی معرفی کرد و مراجعه به قرآن را برای دلیل آوری و استنتاج کافی دانست: «آن کتاب گویای الهی و قرآن راست گو و نور فروزان و شعاع درخشان است که بیان و حجت های آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوه گر است» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۵۶۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ هـ.ش، ۱/۲۴۸؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۴/۸۵). ایشان اطاعت از



اهل بیت علیهم السلام را مایه نظام ملت و امامت را موجب امان از تفرقه معرفی کرد. از دیدگاه ایشان امامت و اطاعت از امام از دستورات قرآن و کارکرد آن انتظام امت و ایجاد یکدستگی و وحدت است: «و طاعتنا نظاماً لِلْمِلَّةِ وَ اِمَامَتَنَا اَمَاناً لِلْفِرْقَةِ؛ اطاعت از ما (اهل بیت) نظم شریعت و رهبری ما ایمنی از تفرقه و پراکندگی را به دنبال دارد». سپس با ذکر ماجرای بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله این واقعه را پشت سر انداختن کتاب خدا و عبور از قرآن می داند: «این کار از شما بعید بود و چطور این کار را کردید، به کجا روی می آوردید درحالی که کتاب خدا رویاروی شماست، آموزش روشن و احکامش درخشان و علائم هدایتش ظاهر و محرمانش هویدا و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی رغبتی به آن را خواهانید یا به غیر قرآن حکم می کنید که این برای ظالمان بدل بدی است و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زینکاران خواهد بود» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۵۶۸/۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ ه.ش، ۲۴۸/۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۸۵/۴). ایشان با استدلال به قرآن، امامت را آموزه و دستوری قرآنی دانسته و عبور از آن را عبور از قرآن معرفی کرده.

### ۵ - ۳. احتجاج به روش عقلی

ایشان به دلیل آوری در احتجاجات خود اهتمام داشت و از نوع برهان و شکل استدلالی بانام دلیل نقلی و عقلی - نقلی بهره می برد. برای مثال بیان حضرت زهرا علیها السلام در مسئله ارث فدک در قالب منبع مالی امامت، استفاده از دلیل نقلی - عقلی است بدین شکل که مقدمه اول ایشان از آیات (نقلی) و مقدمه بعدی عقلی است و نتیجه حاصل از مقدمات عقلی و نقلی است که به شکل زیر است:

- مقدمه اول: خداوند در قرآن می فرماید: «و سلیمان از داود ارث برد» (نمل: ۱۶). بنابراین، پیامبران ارث می گذارند.

- مقدمه دوم: رسول خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نیز پیامبر است.

- نتیجه: رسول خدا ارث می گذارد.

بدین شکل با یک مقدمه نقلی از آیات و مقدمه ای عقلی به شکل یک استدلال برهانی اقامه دعوا می کند. ایشان همچنین در مواضع مختلف از خطبه فدکیه و دیگر گفت و گوها با زنان مهاجر و انصار از آیات قرآن استفاده می کند که مشاهده متن گفت و گوها شاهد استنادات فراوان ایشان به ادله نقلی است.

## ۵ - ۴. احتجاج به روش شعر

حضرت زهرا علیها السلام در پایان خطبه خود رو به سوی مضجع شریف حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله کرد و شعری قرائت کرده است که نقل آن به صورت اختلافی روایت شده است، اما دو بیت اول آن مورد اتفاق راویان است. (قمی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲/۱۵۵؛ ابن طیفور، بی تا؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۸/۳۷۶؛ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق؛ طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ هـ.ق؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ هـ.ش، ۲/۲۰۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱/۹۲؛ ابن طاووس، ۱۴۰۰ هـ.ش، ۱/۲۶۵؛ اربلی، ۱۳۸۱ هـ.ش، ۱/۴۸۹)

قد کان بعدک أنباء و هنبثة  
لو کنت شاهدها لم تكثر الخطب  
إنا فقدناک فقد الأرض وابلها  
و اختل قومک فاشهدهم و لا تغب

ترجمه: پدر جان! بعد از توقیل و قال ها و سروصداهایی به پا شد که اگر تو می بودی و مشاهده می کردی این اختلافات زیاد نمی شد. ما تو را آن طور از دست دادیم که زمین باران رحمت خود را از دست بدهد، امور امت تو مختل و نامنظم شد، مشاهده کن و غایب مباش. احتجاج حضرت در شعر بر اساس منطق شکایت و گزارش اختلافات امت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. ایشان در این شعر، عدول از مسیر اصلی نبوت و غضب حق خلافت را موجب اختلال در امور امت دانست.

## ۶. نتیجه گیری

اگر مدت حیات حضرت زهرا علیها السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله هفتاد و پنج روز باشد این دوره از زندگی ایشان یک منظومه منظم و سازوار و یک غریبو ۷۵ روزه است. غریبوی که از ساختار شکلی و محتوایی منظم و دقیقی برخوردار بوده و در صراط مستقیمی در جریان و تب و تاب است. حضرت زهرا علیها السلام با بازگویی حدیث غدیر و استدلال بر ولایت حضرت علی علیه السلام ماجرای غضب خلافت را ارتجاع و بازگشت از دین دانست و آن را پشت کردن به احکام و سنت خدا نامید. منظومه احتجاجات حضرت زهرا علیها السلام بر منطقی مشخص و برپایه روش های محکم استدلالی بنا شده است. تمام استدلال های ایشان بر محور دفاع از امامت پایه ریزی شده و قاطعیت، شجاعت، معصومانه بودن و گفتار مستدل از جمله ویژگی های کلام ایشان است که با دقت در دو بعد ساختاری و محتوایی کلام ایشان به خوبی قابل کشف و استخراج است.



بررسی احتجاجات، مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که دفاع حضرت از امامت دفاعی روشمند و عقلانی بوده و بر احساسات استوار نیست، بلکه پشتوانه‌ای عقلی و مستحکم به ادله نقلی، عقلی و تاریخی است. الگوی احتجاجات حضرت زهرا علیها السلام الگویی استدلالی است که می‌تواند الهام‌بخش احتجاج‌آوری در اثبات و تبیین امامت باشد. ایشان خطابه را روشمند کرده و درون‌مایه آن را با روش عقلی، نقلی و تاریخی مستحکم کرده است. روش استدلالی حضرت، بلاغ مبین و پیامی آشکار است که در همه فرازها با انواع دلیل، موجب اتمام حجت عقلانی برای طرف مقابل است که می‌تواند الگویی برای مدل احتجاجات شیعه در امر امامت باشد. بنابراین، آنچه مایه مباهات است احتجاجات ایشان و منطق حاکم بر این استدلال‌های هدفمند است و آنچه وجدان شیعه را باید عذاب دهد اجحاف بی‌سابقه در طول تاریخ به نوع روایت از داستان حضرت زهرا علیها السلام و نگاه تک‌بعدی به ایشان است؛ زیرا حضرت مستحکم‌ترین استدلال‌ها را دارد که می‌توانست الهام‌بخش شیوه دفاع از آموزه امامت باشد، اما فقط بر روزهای پایانی حیات ایشان، بکائشان و ظلم وارد شده بر خاندانشان تمرکز شده و احتجاج‌های پرمایه و ثمربخششان از محور گفت‌وگو دور مانده است. پیشنهاد می‌شود نگارش آثاری با موضوع منطق حاکم بر احتجاجات حضرت زهرا علیها السلام در ابعاد مختلف عقلی، نقلی و تاریخی بیشتر بررسی شود که در مقاله حاضر ترسیم شده است، اما همچنان در انتظار بحث و امعان نظر محققان و بزرگان دین است.

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۳ ه.ش)، مترجم: انصاریان، حسین. تهران: دارالقرآن الکریم.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۴۰۴ ه.ق). شرح نهج البلاغه. مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل. قم: مکتب آیت‌الله المرعشی النجفی.
۲. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). من لایحضره الفقیه. محقق: غفاری، علی اکبر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵ ه.ش). علل الشرایع. قم: کتابفروشی داوری.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲ ه.ش). خصال. مصحح: غفاری، علی اکبر. قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۴۰۹ ه.ق). شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام. محقق: حسینی جلالی، محمد حسین. قم: جامعه مدرسین.
۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ ه.ش). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. قم: علامه.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۰ ه.ش). الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف. مصحح: عاشور، علی. قم: خیام.
۸. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (بی تا). بلاغات النساء. قم: الشریف الرضی.
۹. ابوعبدالله احمد بن حنبل (۱۹۸۳ م). فضائل الصحابه. محقق: وصی الله محمد عباس. بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ ه.ش). کشف الغمه فی معرفه الائمة. مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم. تبریز: بنی‌هاشمی.



۱۱. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ ه.ق). *الغدیر فی الكتاب والسنة والادب*. قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
۱۲. الحاکم النیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (۱۹۹۰ م). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۳. حسینی، سید جواد (۱۳۸۷ ه.ش). *دفاع فاطمه علیها السلام از امامت و امام خویش*. نشریه *بایسدار اسلام*. ۳۱۸، ۱۶-۲۰.
۱۴. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ ه.ق). *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلم*. دمشق: دارالفکر.
۱۵. خزاز زازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ ه.ق). *کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر*. قم: بیدار.
۱۶. رضوی، عبدالهادی (۱۳۸۴ ه.ش). *مواضع سیاسی حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت*. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۱۷. رودگر، نرجس (۱۳۹۹ ه.ش). *مراتب مرجعیت معرفتی حضرت فاطمه علیها السلام در نظر اهل بیت علیهم السلام، شیعه و اهل سنت*. نشریه *پژوهش های اعتقادی کلامی*، ۱۲، ۱۴۰-۱۴۸.
۱۸. سیدین طاووس (۱۳۷۴ ه.ش). *الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف*. مترجم: الهامی، داوود. قم: نوید اسلام.
۱۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ ه.ق). *الدر المنثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۲۰. شریف الرضی (۱۴۱۴ ه.ق). *نهج البلاغه*. محقق: صبحی صالح. قم: هجرت.
۲۱. شریف مرتضی (۱۴۱۰ ه.ق). *الشافی فی الامامه*. تهران: الصادق علیه السلام.
۲۲. شهرستانی، عبدالکریم بن ابی بکر (۱۳۹۶ ه.ش). *الملل والنحل*. محقق: محمد سید کیلانی. بیروت: دارالمعرفه.
۲۳. شیخ مفید (۱۳۸۱ ه.ش). *الاحتجاج*. مترجم: جعفری، بهزاد. تهران: انتشارات الاسلامیه.
۲۴. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ ه.ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. مصحح: خراسان، محمد باقر. مشهد: نشر مرتضی.
۲۵. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ ه.ق). *دلائل الامامه*. مصحح: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه. قم: بعثت.
۲۶. طبیبی، معصومه (۱۳۹۰ ه.ش). *بررسی سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت*. نشریه *منهاج*، ۱۲، ۱۷۵-۱۹۲.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ه.ق). *امالی*. محقق: مؤسسه البعثه. قم: الثقافه.
۲۸. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ ه.ش). *الفروق فی اللغة*. بیروت: دارالافتاح الجدیده.
۲۹. فارابی، ابونصر (۱۴۰۸ ه.ق). *منطقیات*. قم: مکتبه آیت الله المرعشی.
۳۰. فواز عاملی، زینب بنت علی (۱۴۲۱ ه.ق). *اعلام النساء*. بیروت: مؤسسه الریان.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ه.ق). *تفسیر القمی*. محقق: طیب موسوی جزایری. قم: دارالکتب.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ ه.ش). *الکافی*. تهران: انتشارات اسلامیه.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). *الکافی*. مصحح: غفاری، علی اکبر، و آخوندی، محمد. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ه.ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. مجمع البحوث الاسلامیه (۱۴۱۴ ه.ق). *شرح المصطلحات الفلسفیه*. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۳۶. محدث اریلی (۱۳۸۱ ه.ش). *کشف الغمه*. تبریز: بنی هاشمی.
۳۷. محمدی، رمضان (۱۳۷۸ ه.ش). *امامت در اندیشه و کلام حضرت فاطمه علیها السلام*. نشریه *مطالعات راهبردی زنان*، ۳۹(۱۰)، ۱۵۰-۱۲۷.
۳۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ه.ق). *الامالی*. مصحح: استاد ولی، حسین، و غفاری، علی اکبر. قم: کنگره شیخ مفید.
۳۹. یعقوبی، ابن واضح (بی تا). *تاریخ الیعقوبی*. بیروت: دار صادر.